

## مبانی مشروعیت جمهوری اسلامی ایران

حسین محمدی مصیری جلیلی

کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یزد

### چکیده

بحث مشروعیت حکومت و مبانی آن همیشه و از دیرباز توجه فلاسفه و دانشمندان علوم سیاسی را به خود معطوف داشته و بعنوان یکی از اصولی ترین مسائل حکومت و فلسفه سیاسی در دایره تحقیقات و تتبعات علمی قرار گرفته است. چرا که بقا و دوام حکومت و نظام سیاسی بستگی تام به میزان مشروعیت آن نظام داشته و خواهد داشت. در این مقاله ضمن توجه و دقت در معانی لغوی و اصطلاحی مشروعیت و ارائه تعاریفی که از این واژه ارائه کردیم لذا به این نتیجه می رسیم که حق حاکمیت فرمانروایان صحیح ترین و مناسب ترین واژه برای تعریف این واژه می باشد؛ اما مشروعیت جمهوری اسلامی در ایران ضمن دارا بودن غالب عناصر و مؤلفه‌های نظام دموکراسی، کارویژه‌ها و امتیازات ثبت مشروعیت الهی را در خود جای داده است؛ بنابراین نظامی با این نوع مشروعیت اولاً از نیازهای طبیعی انسان امروزی و متناسب با شرایط فکری عصر حاضر است که آراء مردمی یکی از شاخصه های اصلی آن می باشد. ثانیاً در این نظام مشروعیت اساساً و بطور کلی متزلزل و مورد خدشه واقع نمی شود چرا که هر یک از نارسائیه‌ها و کاستی های مشروعیت مردمی یا الهی که در قانون اساسی هم ذکر شده بواسطه یکدیگر جبران و مرتفع می شوند. ثالثاً حکومتی که از مشروعیت دو جانبه برخوردار باشد، ضمن تقابل با حاکمیت مردم از دوام و قوام بسیار بالایی برخوردار خواهد بود و در ادامه با تقویت این دو با بحران مشروعیت مواجه نخواهد شد.

واژه‌های کلیدی: مشروعیت، حکومت، مردم، جمهوری اسلامی ایران.

**مقدمه**

مسأله تعیین مبنای مشروعیت از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و متفکران بوده است و تاریخ و حیاتی به درازای زندگی سیاسی و اجتماعی انسان دارد. چون تداوم و ثبات نظم اجتماعی در گروه توضیح هنجاری آمریت و اطاعت سیاسی است از این رو همه نظام های سیاسی، علی رغم؛ شکل، ماهیت، نوع رژیم و مبانی و منشأ حاکمیت نیاز به مشروعیت، دارند. تا آنجا که برخی سؤال «چه کسی حکومت کند؟» یا «چرا مردم باید از فرد حاکم اطاعت کنند؟» را اولین سؤال در تبیین مسائل اجتماعی می دانند؛ چرا که بدون وجود حاکمیتی که به تنظیم و مدیریت آن ارتباطات پردازد، میسر نمی باشد. حتی برخی لزوم تشکیل حکومت را از بدیهیات شمرده اند؛ به گونه ای که امروزه هیچ متفکری در تشکیل آن شک نمی کند؛ اما اینکه چه خصوصیتی باعث ایجاد حق حاکمیت خواهد شد خود، مسأله ای است که مکاتب و ایدئولوژی های مختلف درباره آن سخن گفته اند و هر یک مبنایی خاص را برای مشروعیت حاکمان اخذ کرده اند. مهمترین نویسنده ای که مشروعیت سیاسی را مطالعه کرده ماکس وبر است، وبر مجموعه ای از سئوالات بنیادی مطرح کرد که برخی از سئوالات او عبارتند از: اصول مشروعیت متوجه چه کسانی است: عموم مردم یا دستگاه اجرایی؟ بین مبانی مشروعیت و سازمان نظام های قدرت چه رابطه ای وجود دارد؟

**هدف پژوهش**

مشروعیت به عنوان توجیه عقلانی فرمانروایی حاکمان و فرمانبرداری شهروندان مهمترین عامل شکل گیری ثبات و بقا و دوام نظام های سیاسی مختلف است. در اندیشه سیاسی شیعه، حاکمیت مشروع از زمان حضور ائمه معصومین تنها حق آنان بوده و در زمان غیبت، اگرچه علمای شیعه در مورد ضرورت تشکیل حکومت اتفاق نظر دارند ولی نظریات مختلفی راجع به منشأ و منبع مشروعیت حکومت ارائه کردند. ولی این تشتت آرا نه تنها به عرصه اندیشه و تفکر محدود نمی شود بلکه اثرات نظری و عملی بسیار مهمی بر آن مترتب است. در نتیجه پرداختن به مبحث مشروعیت نظام سیاسی و مبانی آن به صورت علمی و دسته بندی منظم نظریات می تواند نقش مهمی را در فهم بهتر موضوع و نیز استقرار، استمرار و ثبات حکومت شیعی کمک نماید؛ بنابراین اهداف این مقاله شناسایی و تبیین مبانی و منابع مشروعیت حکومت در نظام جمهوری اسلامی می باشد. ما در این مقاله سعی خواهیم کرد تا پاسخی بر این بیابیم که مشروعیت حکومت نظام جمهوری اسلامی ایران بر چه مبنایی استوار است؟

**سؤالات اساسی تحقیق**

مشروعیت حکومت جمهوری اسلامی ایران از کجا ناشی می شود؟ آیا خداوند سبحان، منبع مشروعیت حکومت و ولایت است؟ یا برآمده از روشهای دیگری هم چون انتخاب مردم، استیلا و تغلب و وراثت است؟ و حاکم براساس چه ملاکها و معیارهایی و با چه مجوزی حق حکومت بر مردم را در حکومت جمهوری اسلامی را دارد؟ و عمده ترین عاملی که اقتدار سیاسی را در کشور موجه و برحق می سازد چیست؟

**اهمیت و فایده بحث مشروعیت**

اهمیت و فواید بحث مشروعیت از چند نقطه نظر قابل توجه است که ذیلاً مورد اشاره قرار می گیرد. مشروعیت هم موجب افزایش قدرت تصمیم گیری مسئولین اجرایی حکومت می شود. به علت اعتبار و اقتداری که کسب می کنند و هم این قدرت را تحدید و کاهش می دهد. در واقع حاکم براساس نوع مشروعیتی که کسب کرده است محدود و محصور بر همان اصل و منابع مشروعیت می شود حتی رهبری کارزماتیک نیز اسیر ویژگی های این نوع رهبری است و اگر روزی فاقد خصوصیات کارزماتیک شود دچار بحران مشروعیت می گردد.

مشروعیت نه تنها پایه قوام و دوام حکومتها و نظامهای سیاسی است، بلکه تغییر و تحولات لازم به ویژه برای فعالیتهای صلح آمیز را نیز با هزینه بسیار کم ممکن می سازد. اعطای مشروعیت از سوی مردم به حکومت (دیدگاه مبتنی بر مشروعیت مردمی) آزادی عمل مردم را در چارچوب نوع مشروعیت موردنظر محدود و مشروط به قانون اساسی می نماید. هرچه حکومتی از مشروعیت بیشتری برخوردار باشد حاکمان برای اعمال قدرت کمتر به قوه قهریه و زور متوسل می شوند. نوع مشروعیت در شکل حکومت و نحوه انتخاب و تعیین حاکم مؤثر است همچنین حدود اختیارات و وظایف حاکم بستگی تام بر مبنای مشروعیت دارد.

از آنجا که به موجب شرع مقدس اسلام، انسان ها دارای یک رشته تکالیف فردی و اجتماعی هستند و از جمله مهمترین این وظایف تکلیف شرعی او در قبال نظام سیاسی و حکومتی است؛ بنابراین ضرورت می نماید که هر فرد متعهدی به دنبال شناخت حکومت مبتنی بر شرع اسلام باشد تا بتواند با توجه به مبانی مشروع حکومت از آن پشتیبانی و حمایت نماید و یا در صورت مشروع نبودن و غصبی بودن حکومت در مقابل آن مقاومت و موضعگیری نماید. لذا آشنایی و شناخت دقیق مبانی مشروعیت از دیدگاه شیعه برای شیعیان و پیروان حضرت علی (ع) امری ضروری و اجتناب ناپذیر می باشد. (حاتمی، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۶)

### مفاهیم

نقش مفاهیم در بررسی های علمی به اندازه ای است که بعضی از اندیشمندان معتقدند اساس دانش و معرفت در علوم اجتماعی و علوم دیگر را مجموعه ای از مفاهیم تشکیل می دهند که با تغییر و تحول آنها چه بسا دانش نیز دچار دگرگونی می شود. یکی از مهمترین مشکلات علمی در حوزه اجتماعی ابهام و عدم دقت مفاهیم بنیادی و عدم توافق فراگیر در تعریف آنهاست. لذا اولین گام در طرح این پژوهش تبیین و تعریف مفاهیم و اصطلاحاتی است که تحقیق براساس آنها پایه ریزی شده است. در این پژوهش بنا به ماهیت موضوع از اصطلاحات و مفاهیمی استفاده شده است که به طور اختصاص توضیح داده می شود.

۱- مبانی: مبانی جمع مبنا است که در لغت به معنی ریشه و منبع می باشد. دهخدا در تعریف مبانی می نویسد: «واژه‌ای عربی و جمع مبنی می باشد. این کلمه به معنای عمارت ها، بناها و بنیان‌ها و اساس است. پس مبانی هر رشته و یا هر چیزی عبارت است از پایه هایی که آن چیز بر آنها بنا گردیده و استقرار یافته است و به سخن دیگر مبانی آن اصول کلی هستند که مسائل هر رشته بر آنها بنا داده می شود. بدین ترتیب «مبانی مشروعیت» همان اصول و مبناهایی هستند که مشروعیت یک نظام سیاسی بر آنها استوار گردیده است و لذا در اینجا منظور از مبانی مشروعیت در حقیقت همان منابع و منشأهای عقلی و شرعی حق حاکمیت است»

۲- مشروعیت: «واژه مشروعیت از «شرع» گرفته شده و در برخی موارد و در استعمال‌های درون دینی به معنای «وابسته و مستند به شرع و شارع» است و در لغت هم ریشه کلمات «تقنین»، «قانونی»، «میراث» است». (حاتمی، ۱۳۸۴: ۱۶ و ۱۷)

ابوالحمد نیز می گوید: مشروعیت عبارت است از «یکی و یگانه بودن چگونگی به قدرت رسیدن رهبران و زمامداران جامعه با نظریه و باورهای همگان با اکثریت مردم جامعه در یک زمان و مکان معین که نتیجه این باور، پذیرش حق فرمان دادن برای رهبران و وظیفه فرمان بردن برای اعضا جامعه یا شهروندان می باشد» (ابوالحمد، ۱۳۵۳: ۲۴۵)

بنابراین مشروعیت اساس و پایه حکومت خواهد بود که همزمان به دو موضوع متقابل اشاره دارد: یکی ایجاد حق حکومت برای حاکمان و دیگری شناسایی و پذیرش این حق از سوی حکومت شونده‌گان.

در انگلیسی: برای این مفهوم از لغت legitimacy استفاده می شود که معانی زیر برای آن بکار برده می شود: درستی، برحق بودن، حقانیت، قانونی بودن، روایی، حلالیت، حلال زادگی، مشروعیت.

در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی ذیل کلمه‌ی مشروعیت آمده است که: قدرت دولت با دو ویژگی مشروع می‌باشد، این دو ویژگی عبارتند از: ۱- حکومتگران می‌دانند که حق حکم رانی دارند. ۲- حکومت شونده‌گان این حق را قبول دارند. (حاتمی، ۱۳۸۴: ۲۹، ۲۸)

### رویکرد اجمالی به مبانی مشروعیت قبل از جمهوری اسلامی

اصولاً ایده جمهوری زمانی مطرح می‌شود که حکومت از مردم جدا باشد و مردم خواستار مشارکت و اعمال حاکمیت عمومی هستند. در نظام پهلوی در ایران این خواسته در مقابل قدرت سلطنت مطرح گردید، با این تفاوت که در مرحله نخست (حکومت پهلوی) خواسته عمومی مردم نبود و جمهوریت از بالا به پایین تعقیب می‌شد و در واقع سردمداران سیاسی از ملت جمهوری می‌خواستند و به همین دلیل که خواسته مردمی نبود و شرایط سیاسی و فرهنگی آن وجود نداشت در عمل با شکست مواجه شد؛ اما در مرحله دوم (ج.ا.ا) قضیه عکس آن بود زیرا جمهوری خواهی خواست همگانی بود و مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) موفق شدند سلطنت پهلوی را منقرض و حکومت جمهوری اسلامی را بوجود بیاورند. با طرح مبانی مرسوم و پذیرفته شده جمهوریت به سراغ قانون اساسی که حکم میثاق ملی و سند جمهوری اسلامی را دارد می‌رویم تا سازگاری و یا ناسازگاری آن را با این مبانی به محک آزمایش بگذاریم. (مهاجر، ۱۳۷۷: ۸۹-۸۸)

### مبانی مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی ایران

اول اصل اساسی در تحلیل ساختاری هر حکومتی این است که حاکمان سیاسی قدرت خود را از کجا به دست آورده اند، آیا متکی به اراده ملی است و یا مشروعیت خود را از منابع دیگری اخذ کرده اند؟ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با پذیرش دو مبنای همسو و هماهنگ بر دو پایه اساسی اتکاء به «آرا عمومی» و اعتقاد به «مبانی ارزشی» تکیه شده است. در اصل اول قانون اساسی در مورد نفس حکومت آمده است:

«حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن ... با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.»  
«اعتقاد دیرینه» مصرح در اصل اول را در اصل دوم اشاره کرده است:

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان؛

۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تدام انقلاب اسلام

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا

اتکای جمهوری اسلامی به آرای عمومی را در اصل ۶ بیان می‌کند:

«در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید با اتکا به آراء عمومی اداره شود» و در اصل ۵۶ حق تعیین سرنوشت و حق حاکمیت که خداوند به انسان داده، مطرح گردیده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد». (همان، ۸۹-۹۰)

نظام جمهوری اسلامی ایران، بر پایه آموزه های اعتقادی اسلام و تشییع استوار شده است. از نظر تبارشناسی، حوزه های فکری شیعی، نظریه های متعددی را درباره نظام سیاسی دوران غیبت، پرورانده اند. این نظریه ها از اندیشه قدیم و معطل ماندن

حکومت تا وجوب انقلاب و تأسیس نظام اسلامی به رهبری ولی فقیه امتداد دارند. این وضعیت، اندیشه شیعه را مستعد بحران عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در شرایط خاص کرده است. اختلاف نظر در سطح مراجع و تصمیم سازان کشور درباره سیاستگذاری ها و سیاستهای خرد و کلان نظام جمهوری اسلامی از ابتدای شکل گیری، نشان دهنده حضور و تأثیر نظریه های متفاوت شیعی در تحولات جمهوری اسلامی است. این اختلافات به ویژه بین رهبران فکری، مذهبی، سیاسی و اجتماعی در دولت، شورای نگهبان، مجلس، قوه قضائیه و ... در مراحل مختلف جلوه های مختلف یافته است. به عنوان مثال، شکافهای نظری-اجتهادی در دوره حیات امام خمینی (ره) درباره حدود اختیارات ولی فقیه و مطلقه یا مقیده بودن نسبت به احکام اولیه و ثانویه شریعت، صورت بندی شده بود که از بحران معروف به رابطه احکام شرعی در خصوص مالکیت خصوصی و قانون کار مصوب مجلس شورای اسلامی برخاست و منجر به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام گردید. این شکاف ها که موجب شکاف در فرهنگ سیاسی شد و موانع فعالانه سیاسی را ایجاد یا تقویت نموده است، بازتاب رقابت های سیاسی در نظام اسلامی می باشد؛ بنابراین، در تعیین شکل گیری اجماع یا شکاف در جریان رقابت سیاسی در جامعه ایران، باید به مبانی عقیدتی - مذهبی، فرهنگی و سیاسی فعالان سیاسی و رهبران احزاب و گروه ها توجه کرد.

برای میزان تأثیر عقاید در رژیم های سیاسی، لازم است عوامل تعیین کننده عقاید، به ویژه عقاید فعالان سیاسی یک جامعه بررسی شود. رابرت دال، واژه عقیده را در معنای گسترده آن به کار می برد که شامل دین، مذهب، ایدئولوژی و دانش سیاسی است. در سیاست برخلاف علوم طبیعی بین علم و عقیده فاصله ای نیست. دانش و تجربه یک شخص و گروه ممکن است برای دیگران، خرافه تلقی شود، ولی برای آنان حجت و آثار علمی دارد. نمی توان تأثیر عقاید را بر رفتار سیاسی خود و دیگران انکار نمود. اعتقادات ما نه تنها در آنچه آرزو داریم، بلکه در آنچه رخ می دهد، تأثیر دارد. شفاف سازی و اطمینان بخشی به حوزه رقابت سیاسی، تأثیر گسترده ای در کاهش سوءتفاهم طرفین رقابت و زمینه های خشونت سیاسی دارد. عقاید سیاسی بر رفتار فعالان سیاسی اثرگذار است. ساختار عمومی و کارکرد نهادهای نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح زمامداران و شهروندان نخبه و عادی از این قاعده مستثنا نیست. قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان سند بنیادین نظام جمهوری اسلامی برآیند اعتقادات تدوین کنندگان و تأییدکنندگان آن است و مشروعیت الهی و مقبولی مردمی را در ترکیب «جمهوری اسلامی» متبلور ساخته است (قربان زاده سوار ناطقی، ۱۳۹۲: ۱۵۲ - ۱۵۴).

### مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی

در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق ملت شامل دو بخش عمده است: یکی بخش، حق ملت در تعیین سرنوشت خویش است که از طریق همه پرسی و انتخابات انجام می شود و این حق در اصول ۵۸ و ۶۹ قانون اساسی آمده است، بخش دیگر، حیات فردی و اجتماعی ملت با عنوان حقوق ملت در اصل سوم است. پاسداری از حقوق مردم از وظایف دستگاه های تقنینی اجرایی و قضایی است.

برخی از اصول متضمن حقوق ملت عبارتند از اصل ۱۹ تساوی حقوق همگان؛ اصل ۲۰ یکسانی در برخورداری از حمایت قانونی؛ اصل ۲۱ تخمین حقوق زن در تمام جهات؛ مصونیت از تعرض و آزادی عقیده و ممنوعیت تفتیش عقاید در اصل ۲۳؛ آزادی مطبوعات ۲۴ و ممنوعیت تجسس در اصل ۲۵؛ آزادی احزاب و تجمعات سیاسی و صنفی و تشکیل اجتماعات و راه پیمایی بدون سلاح در اصول ۲۶ و ۲۷ آمده است. اصل ۳۲ می گوید: «هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند» و اصل ۳۸ قانون اساسی به ممنوعیت هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع اشاره دارد. (منصور، ۱۳۹۴: ۳۸-۴۴)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زمینه های مشارکت سیاسی و اجتماعی که گویای تحقق دموکراسی حقیقی است، تدارک دیده شده که به معنای شرکت فعالانه در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در تمام ابعاد زندگی می باشد و دولت موظف به صیانت از حقوق ملت است. قانون اساسی مبنای جمهوریت به مفهوم دموکراسی را پذیرفته است. دموکراسی،

مشارکت افراد و گروه‌ها در انتخابات برای جلب و جذب آراء مردم در تدبیر امور جامعه و کشور است. اختلاف برداشت هر یک از شخصیت‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی از دموکراسی و دین، مبنای اختلاف در جامعه است؛ زیرا هر یک از افراد، نماینده یک جریان فکری می‌باشند که طرفداران یا مخالفان خاص خود را در جامعه دارند. (قربان زاده سوار، ناطقی، ۱۳۹۲: ۱۵۴)

تجربه تلخ دوران استبداد پهلوی و بی‌توجهی به اصول قانون اساسی مشروطه و فضای عمومی کشور در مخالفت با شاه و نظام شاهنشاهی اولاً: برچیده شدن این نوع نظام را ضروری، قلمداد کرد؛ ثانیاً نامشروع دانستن نظام شاهی از سوی امام خمینی و رهبران مذهبی، مشروعیت آن را کاملاً زیر سؤال برد و ثالثاً برای مدل جایگزین که تأمین‌کننده اهداف انقلابیون باشد و در راستای مبارزه با استبداد قرار گیرد، نظام جمهوری بهترین شکل حکومت خواهد بود، گرچه تأثیرات فضای بیرون و واقعیات اجتماعی بر ذهن رهبران مذهبی در انتخاب مدل حکومتی تأثیرگذار بود؛ اما در فضای پس از انقلاب اسلامی و براساس دیدگاه مراجع تقلید و علمای دینی و براساس مدل پیشنهادی رهبری نهضت، جمهوری اسلامی که بیانگر قالب و محتوا بود انتخاب شد و مردم نیز با حضوری چشمگیر به همان پیشنهاد رأی دادند. در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، تلاش شد مدل جمهوری یاد شده با چند ویژگی همراه باشد، اولاً: اینکه به جای استفاده از مدل غربی، مدل اسلامی و بومی مورد توجه باشد؛ ثانیاً جلوی هر نوع استبدادی در آینده گرفته شود و پایه‌های جمهوریت کاملاً استوار باشد و ثالثاً اسلامی بودن آن نیز تضمین گردد. (اکبری، ۱۳۹۱: ۱۶۱)

### مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران از نگاه بنیانگذار آن

امام خمینی قدس سره به دموکراسی از نگاه حضور و مشارکت مردم در امور کشور نظر داشت. او در سخنرانیها، مصاحبه و ... نظرات خود را پیرامون ارزش رأی مردم در حکومت اسلامی اظهار کرد: در ایران، آرای ملت حکومت می‌کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچکس از ما جیز نیست. (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۷)

ایشان در جواب خبرنگاری که پرسید: حکومت اسلامی چگونه حکومتی است؟ فرمودند: «حکومت اسلامی حکومتی است که صد درصد متکی به آرای ملت باشد، به شیوه‌ای که هر فرد ایرانی احساس کند، با رأی خود، سرنوشت خود و کشور خود را می‌سازد».

زمانی که مجله المستقبل در خصوص حکومت سؤال می‌کند، امام در جواب می‌گوید: حکومت جمهوری اسلامی موردنظر ما، از رویه پیغمبر اکرم (ص) و علی (ع) الهام می‌گیرد و متکی به آرای عمومی ملت می‌باشد و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۰۵)

ایشان در پاسخ روزنامه النهار فرمود: «ماهیت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده، با اتکا به آرای عمومی ملت تشکیل شود و مجری احکام اسلامی باشد.» وی در بهشت زهرا بیان داشت: «من به پشتیبانی این ملت، دولت تعیین می‌کنم، من به واسطه اینکه این ملت مرا قبول دارد، دولت تشکیل می‌دهم».

امام خمینی (ره) رأی مردم و مبانی دین را ملاک عمل قرار داد. امام معتقد است که چگونه حکومت اسلام، حکومت قانون است، قانون شناسان آن، بالاترین دین شناسان یعنی فقها باید متصدی آن باشند. فقها بر تمام امور اجرایی و اداری و برنامه ریزی کشور مراقبت دارند. فقها در اجرای احکام الهی، اخذ مالیات، حفظ مرزها و اجرای حدود امین هستند. او عدالت را شرط اساسی حکومت فقیه می‌داند. اگر فقیهی بر خلاف موازین اسلام کاری انجام داد و فسقی مرتکب شد، خود به خود از حکومت، منعزل است؛ زیرا از امانت داری ساقط شده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۹۳) این موضوع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اصل ۵۷ قانون اساسی به عنوان ولایت مطلقه آمده است: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت است بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

دیدگاه امام خمینی (ره) در قانون اساسی جمهوری اسلامی به وضوح، مشاهده می شود. مثلاً اصل ۵ قانون اساسی، ولایت فقیه را به عنوان یک خصیصه ممتاز نظام اسلامی شناخته است: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد».

قانون اساسی، در اصل یکصد و هشتم، تنظیم و اجرای قوانین مربوط به شرایط خبرگان و چگونگی انتخاب آنان را در نخستین دوره تشکیل این نهاد، بر عهده فقهای شورای نگهبان قرار داده است، بدین صورت که با اکثریت آرای آنان تدوین و آنگاه به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. برای تشکیل دوره های بعدی مجلس خبرگان، هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قوانین را در صلاحیت خود آنان دانسته است.

به موجب ماده ۳ فصل دوم آیین نامه داخلی این مجلس، خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط زیر باشند:

(الف) اشتها به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛

(ب) اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد؛

(ج) داشتن بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز؛

(د) معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

(ه) نداشتن سابقه سوءسیاسی و اجتماعی؛

### جایگاه مردم در نظام جمهوری اسلامی

نظام جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی بر دو پایه جمهوریت و اسلامیت بنا گذاشته شده است؛ یعنی شکل حکومت، ساختار سیاسی و نحوه آرایش نهادهای آن جمهوری است اما محتوای آن اسلامی است. امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی در خصوص جمهوریت و نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی بیان می دارند: «ما تابع آرای ملت هستیم. ملیت هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می کنیم. ما حق نداریم خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم». (امام، ۱۳۷۹: ۴۷)

در واقع می توان گفت در نظام جمهوری اسلامی مردم سالاری اسلامی حاکم است. واژه جمهوری نماینده و بیانگر حق و حقوق برای شهروندان کشور است. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز که مبتنی بر خواست و اراده همگانی است، همین مفهوم و گرایش اکثریتی را تأیید و در اصول خود از جمله اصل چهارم به محتوای حکومت جمهوری اسلامی اشاره می کند؛ بنابراین قانون اساسی نیز مظهر نگاه دموکراتیک اسلام به حضور مردم در مسائل اجتماعی و از مصادیق بارز نظام مردم سالاری است و تلاشی است که امام با الهام از مکتب اسلام برای دخالت مردم در تعیین سرنوشت خودشان داشتند. (عیوضی، ۱۳۸۹: ۸۸) در نظام جمهوری اسلامی بر رضایتمندی مردم، خدمتگزاری به مردم و خلوص در خدمتگزاری تأکید شده است. مقام معظم رهبری در این خصوص بیان می دارند: «منت نگذاشتن به مردم در قبال کارهای انجام نشده؛ مبالغه نکردن در گزارش عملکردها، پرهیز از دادن وعده های بدون عمل، خودداری از خودمحموری و خودخواهی در قبال مردم و ندادن دستور و امر و نهی به مردم به واسطه برخورداری از مقام و منصب، تلاش برای کسب رضایت مردم و خودداری از کسب رضایت صاحبان قدرت و ثروت، از جمله وظایف مهم مسئولان نظام اسلامی است.»

حضرت امام خمینی (ره) چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن همواره تأکید بر نقش مردم داشته و حقیقتاً برای آن ارزش و اهمیت قائل بودند. در طول دوران مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب مخاطب و همراه اصلی امام توده مردم بودند. هم مبارزه و انقلاب، مردمی بود و هم پس از پیروزی، اداره کشور با مردم بوده است. در اندیشه سیاسی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دارا بودن حق تعیین سرنوشت، از جمله اصولی است که مورد تأکید و توجه ایشان بوده است و آرای ملت را اصل می دانند.

## انتخابات در نظام جمهوری اسلامی

اهمیت انتخابات در تعیین سرنوشت مردم یکی از ساز و کارهای حقوقی و سیاسی مهمی است که برای اعمال حاکمیت مردم در جهان امروز موردنظر قرار گرفته است و از مهمترین وسایل آن به شمار می رود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مضاف بر اینکه مستقلاً فصلی به عنوان حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن در نظر گرفته شده است (قانون اساسی، ج. ا. ا. ۱۳۷۰: فصل سوم، ۳۲-۲۷) در اصول دیگری نیز این مسئله مورد توجه خاص می باشد. اصل ششم یکی از اصول کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره اشعار می دارد: «جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید با اتکا به آراء عمومی و از راه انتخابات اداره شود. انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد»؛ که بدین ترتیب اعمال چنین حاکمیت به دو صورت مستقیم یعنی همه پرسی و یا غیرمستقیم یعنی شرکت در انتخابات برای تعیین تصمیم گیرندگان انجام می شود. انتخابات مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، شوراها، شوراهای اسلامی شهر و روستاها مهمترین ساز و کارهای تحقق حاکمیت مردم و جمهوری اسلامی هستند. تاکنون ۳۴ انتخابات برگزار شده که یک مورد همه پرسی نظام جمهوری، یک مورد خبرگان بررسی قانون اساسی، یک مورد همه پرسی تأیید قانون اساسی، یک مورد همه پرسی بازنگری قانون اساسی، ۱۱ دوره انتخابات ریاست جمهوری، ۱۰ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۵ دوره انتخابات مجلس خبرگان، ۴ دوره انتخابات شورای شهر و روستا برگزار شده است که نشان از نقش مردم در تصمیم گیری ها و مشارکت سیاسی و انتخاب مسئولین آنها دارد. (ساجدی مهر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۴-۶۵).

## نتیجه گیری

با توجه به مباحثی که در این مقاله بیان کردیم، به این نتیجه رسیدیم که مشروعیت در یک نظام سیاسی، اساس و مبنای حاکمیت و اطاعت شهروندان از قدرت سیاسی است. هیچ حکومتی قادر به پیشبرد اهداف ملی خود نیست مگر آنکه مقبولیت و مشروعیت خود را افزایش دهد. در این پژوهش، مشروعیت را به معنای حق گرفتیم. مشروعیت ولایت فقیه، یعنی حق حکومت و ولایت؛ مشروعیت قانون اساسی یعنی استحقاق اجرایی این قوانین. تناسب قوام مشروعیت با دوام قدرت، مفروضه بنیادی بقای دولتهای مدرن است و فرمانروایان دنیای امروز بیش از هر زمانی نیازمند اعتماد و اقبال فرمانبرانند. اهمیت این ملازمت در جمهوری اسلامی کمتر از سایر رژیم ها نیست و در بیان مبنا و منشأ قدرت بر حق حاکمیت مردم صحنه گذاشته است و روح حاکمیت مردم در آن ساری و جاری است و در چنین شرایطی اگر پشتیبانی مردم از حکومت بیشتر باشد و حکومت و جامعه به آموزه های دینی ملتزم تر باشد در پیشبرد اهداف و منافع خود از توفیق بیشتر و مشروعیت برخوردار خواهد بود که در پرتو چنین چیزی است که مشارکت سیاسی فراگیر و دموکراتیک ایجاب می نماید که هیچ گروه یا حزب سیاسی از روند انتخاب و گزینش برنامه ها و رهبران کنار گذاشته نشوند و خارج از چارچوب اصولی مقررات با محدودیتهای دیگری مواجه نشوند.

## منابع

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۸)، مبانی علم سیاست، تهران: انتشارات ققنوس.
۲. اکبری، کمال، (۱۳۹۱) تأثیرات فقه سیاسی شیعه بر جمهوری اسلامی ایران، حکومت اسلامی/ سال هفدهم، شماره دوم، تابستان.
۳. امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۹) صحیفه نور، ج ۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۰) وصیت نامه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۸) ولایت فقیه، تهران، مؤسسه و نشر آثار امام خمینی.



۶. حاتمی، محمدرضا، (۱۳۸۴) مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، اسفند.
۷. ساجدی مهر، مهدی، شمسی فر، معصومه؛ خسرو شیرعلی، علی، (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی جایگاه ارزشهای اسلامی و مردم در نظام های سیاسی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران)، رهیافت تاریخی (فصلنامه علمی - تخصصی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان، سال چهارم، شماره دهم، بهار.
۸. علیخانی، علی اکبر، (۱۳۸۴) پاسخگویی در نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۶، تابستان.
۹. عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۹) توسعه سیاسی و مردم سالاری دینی، درآمد؛ مروری بر کارنامه سی ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. فلسفی، نصرت الله، (۱۳۸۶) جایگاه دموکراسی در نظام در جمهوری اسلامی ایران، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره هشتم، تابستان.
۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰) چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. قربان زاده سوار، قربان علی؛ ناطقی، هاشم، (۱۳۹۲) جنگ نرم غرب و مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲، صفحات ۱۶۶-۱۴۷، بهار.
۱۳. کواکبیان، مصطفی، (۱۳۷۸) مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، ناشر، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۱۴. منصور، جهانگیر، (۱۳۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دوران.
۱۵. مهاجر، محسن، (۱۳۷۷) چالشهای نظری نخبگان فکری سیاسی ایران در باب جمهوریت (جمهوریت و انقلاب اسلامی)، تهران، ناشر، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - گروه انتشارات، تابستان.

# Foundations of the legitimacy of Islamic Republic of Iran

Hossein Mohammadi Masiri Jalili

*Master of Political Science, Yazd University*

---

## Abstract

The discussion of the legitimacy of the state and its foundations has always and for a long time focused on the attention of philosophers and political scientists, and has become one of the most fundamental issues of government and political philosophy in the field of scientific research and research. Because the survival and durability of the state and the political system depend entirely on the extent of its legitimacy. In this paper, while paying attention and attention to the lexical meanings and the terminology of legitimacy and the definitions given by this term, we conclude that the sovereignty of the sovereign is the most correct and appropriate word for defining the term. But the legitimacy of the Islamic Republic in Iran, while possessing the majority of elements and components of the democratic system, contains the subjects and privileges of the registration of divine legitimacy. Therefore, a military with this kind of legitimacy is first of all the natural needs of today's human being and is in keeping with the intellectual conditions of the present age, which is one of the main characteristics of popular opinion. Secondly, this system of legitimacy is not fundamentally and generally undermined, because each of the inadequacies or deficiencies of the legitimacy of the people or the divinity mentioned in the constitution are compensated and corrected by each other. Thirdly, a mutually legitimate government, while in opposition to the sovereignty of the people, will have a high degree of durability and consistency, and will not continue to strengthen the two with a legitimate crisis.

**Keyword:** Legitimacy, Government, People, Islamic Republic of Iran.

---